

روایات «من بلغ» راهبردی از سوی صادقین علیهم السلام در برابر اختلاف احادیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

سیده طاهره سیدناری^۱
حسین ستار^۲

چکیده

برخی از اخبار «من بلغ» قاعده تسامح در ادله سنن را استنباط کرده و برخی دیگر به دلیل عدم صحت این قاعده، اخبار مذکور را موضوعه دانسته‌اند. به نظر نگارندگان، غفلت از فضای صدور روایات «من بلغ» سبب نزاع در مفاد این اخبار شده است. اولین بار روایات «من بلغ» در شیعه از زبان صادقین علیهم السلام بیان شده است. در این زمان، اختلاف حدیث یکی از گفتمان‌های جدی و مهم بود. از این رو، اخبار «من بلغ» به عنوان راهبردی از سوی صادقین علیهم السلام در آن عصر است؛ بدین معنا که با توجه به شدت اختلاف احادیث (شامل جعل و آسیب‌های حدیثی) در آن عصر ممکن است مردم به روایتی غیر صحیح عمل نموده باشند. در چنین شرایطی امام فرمودند که فرد پاداش عمل خود را دریافت خواهد نمود. از این رو، روایات مذکور تنها صبغه کلامی دارد. البته روایات «من بلغ» برای زمان‌های بعد از صادقین علیهم السلام و تا زمان حاضر نیز کارایی لازم را دارد.

کلیدواژه‌ها: اخبار «من بلغ»، تسامح در ادله سنن، جعل، اختلاف احادیث.

مقدمه

مفاد اجمالی روایات «من بلغ» این است که اگر کسی خبری دال بر ثواب به او رسید و وی آن عمل را انجام داد، پاداش آن را دریافت نموده است؛ هرچند آن خبر صحیح نبوده و یا آن گونه که به وی رسیده، نبوده باشد. در اهمیت بحث درباره روایات «من بلغ» همین بس که

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (seyed2nari@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (sattar@kashanu.ac.ir).

این روایات تکیه‌گاه قاعده «تسامح در ادله سنن» است و این قاعده در میان فقها و اصولیان مورد توجه فراوان قرار گرفته است. مقالات متعددی از زاویه فقهی، اصولی و حدیثی درباره روایات «من بلغ» و قاعده «تسامح در ادله سنن» نگاشته شده است. برخی از این آثار درباره روایات «من بلغ» به بررسی سندی، متنی و دلالتی روایات،^۱ موافقان و مخالفان قاعده «تسامح در ادله سنن» و نقد ادله هر کدام^۲ است؛ در حالی که نگارندگان با رویکردی نو و متفاوت به روایات پرداخته‌اند. وجه تمایز نوشتار حاضر با سایر مقالات نگاشته شده، در این است که به فضای صدور روایات «من بلغ» توجه شده است. با توجه به این که این روایات در منابع شیعی تنها از سوی صادقین علیهم السلام بیان شده است، تلاش شده با توجه به فضای صدور احادیث مذکور، به فهم صحیح آن دست یابیم.

با توجه به فراوانی مقالات نگاشته شده، سعی در مقاله حاضر این است که از تکرار جلوگیری نموده و به صورت مختصر دیدگاه‌ها مطرح گردد. برای پژوهش فوق، علاوه بر تتبع فراوان در مقالات و پایان نامه‌ها، سعی شده است تا ابتدا از عدم آسیب روایات «من بلغ» اطمینان حاصل شود. برای رسیدن به این مهم، دقت فراوان در اختلاف‌های سندی و متنی روایات «من بلغ» و جستجوی آن در منابع شیعه و نیز نرم افزار «کتابخانه فریقین» صورت گرفته است. جستجوی قسمت‌های مختلف روایات «من بلغ» در نرم افزار «جامع الأحادیث» - که چهار آسیب‌های حدیثی، هم چون تقطیع و یا پاسخ به سؤال فردی نشده باشد - هم مورد توجه قرار گرفته است

۱. روایات «من بلغ» در منابع شیعه

روایات «من بلغ» در منابع شیعی در کتاب المحاسن (دو حدیث)، الکافی (دو حدیث) و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (یک حدیث) آمده است. سه روایت از مجموع پنج روایت - که در آن قید «نبی» یا «رسول الله صلی الله علیه و آله» به کار رفته است - عبارت‌اند از:

دو روایت کتاب المحاسن:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ، فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ

۱. رک: «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، ص ۴۲ - ۷۲؛ «نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سنن به ارزیابی

سند روایات اخلاقی، ص ۱۲ - ۱۹؛ «بررسی تسامح در ادله سنن».

۲. رک: «قاعده تسامح در روش‌شناسی تفکر نقدی امام خمینی (س)»، ص ۱۵ - ۲۵

۳. در وسائل الشیعه و بحار الأنوار به جای فیه، «من» آمده است.

قَوْلِ النَّبِيِّ ﷺ كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ، وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ.^۱

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ، فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ، وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ.^۲

شیخ حرعاملی روایت مذکور را در عنوان «فی الإكثار من العبادة» با اندکی تفاوت در متن آورده است:

قَالَ ﷺ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ، فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ.^۳

دو روایت الکافی نیز عبارت اند از:

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.^۴

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الرَّعْفَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَقُولُ: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ، فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَسَّ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْتِيَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ.^۵

ابن فهد حلی روایتی را به نقل از صدوق از کلینی آورده است؛ اما اصل روایت در کتب صدوق یافت نشد:

رَوَى الصَّدُوقُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطَرِيقِهِ إِلَى الْأَمَّةِ ﷺ: أَنَّ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا بَلَغَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا نُقِلَ إِلَيْهِ.^۶

حرعاملی نیز این روایت را به نقل از ابن فهد حلی آورده است.^۷

از آنجایی که سایر مقالات به صورت بسیار تفصیلی به بررسی سندی اخبار «من بلغ»

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۱.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ﷺ، ج ۱، ص ۴۳.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۸۷؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ﷺ، ج ۱، ص ۸۱ و ۸۲؛ إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۲۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۸۷؛ إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۶؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ﷺ، ج ۱، ص ۸۲.

۶. عدة الداعي ونجاح الساعي، ص ۱۲ و ۱۳.

۷. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۲.

پرداخته‌اند، از تکرار آن پرهیز و به پژوهش‌های بررسی شده، ارجاع داده می‌شود.^۱ گزارش اجمالی بررسی‌های انجام شده بدین شرح است که تنها سند روایت اول از الکافی صحیح است.

روایت کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال عبارت است از:

أَبِيٌّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ صَفْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ مِنْ خَيْرٍ فَعَمِلَهُ^۲ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) لَمْ يَقُلْهُ^۳.

در سند این روایت باید توجه نمود که فردی به نام «هاشم بن صفوان» وجود ندارد. سند تنها در کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال این گونه نقل شده است و در سایر منابع به جای آن، هشام، عن صفوان آمده است که مراد، هشام بن سالم عن صفوان الجمال است.^۵ سید بن طاووس نیز روایت مذکور را به نقل از صدوق با اندک تفاوتی در متن آورده است؛ بدین صورت که واژه ثواب را ذکر نکرده است:

فَمِنْ ذَلِكَ أَنَّ رُوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرِ بْنِ بَابُوَيْهِ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - مِنْ كِتَابِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ فِيمَا رَوَاهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى صَفْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُ ذَلِكَ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) لَمْ يَقُلْهُ^۶.

۲. دیدگاه‌های مختلف درباره دلالت روایات «من بلغ»

۲-۱. جعلی بودن روایات «من بلغ»

در بین مقالات نگاشته شده درباره روایات «من بلغ»، تنها آقای باقری در مقاله خویش «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، روایات «من بلغ» را جعلی و با قرآن، سنت قطعی و مسلمات علم حدیث در تعارض دانسته است.^۷ در مقاله دیگر، روایات «من بلغ» صریحاً

۱. «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، ص ۴۲ - ۵۶؛ «بررسی تسامح در ادله سنن»، ص ۳۰ و ۳۱؛ «تسامح در سند

روایات طبی»، ص ۹۳؛ «نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سنن به ارزیابی سند روایات اخلاقی»، ص ۱۲ - ۱۳.

۲. در سایر منابع این قسمت سند بدین گونه آمده است: عَنْ هِشَامِ، عَنْ صَفْوَانَ.

۳. الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ (إِقْبَالَ الْأَعْمَالِ، ج ۲، ص ۶۲۷).

۴. ثَوَابِ الْأَعْمَالِ وَعِقَابِ الْأَعْمَالِ، ص ۱۳۲.

۵. الوافی، ج ۴، ص ۳۷۰؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۶.

۶. إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۵۵۶ و ۶۲۷.

۷. «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، ص ۶۱ - ۷۰.

جعلی شمرده نشده، اما آن‌ها را از مبنا دارای اشکال می‌داند و دلیل وی نیز ارزیابی رجالی احادیث مذکور است.^۱ همچنین هاشم معروف حسنی نیز به نقش جاعلان حدیث در اخلاق، فضایل، ثواب و طاعات و... پرداخته و در ادامه جعلی بودن احادیث «من بلغ» را بیان می‌کند.^۲

۲ - ۲. قاعده تسامح در ادله سنن دستاورد روایات «من بلغ»

برای روایات «من بلغ»، دلالت‌های متفاوتی بیان شده است که دلیل آن به مراد از واژه ثواب در روایت بازمی‌گردد. افرادی که از واژه ثواب در روایات «من بلغ»، عبادات و اعمال مستحبی را برداشت کرده‌اند، قایل به قاعده «تسامح در ادله سنن» شده‌اند. قاعده تسامح در ادله سنن به این معنا که شرایط حجیت خبر واحد، مانند: اسلام، عدالت، ضبط، در روایات دال بر مستحبات شرط نیست و به قول شهید ثانی، عمل به اخبار ضعیف در قصص، مواظب و فضایل اعمال جایز است؛ نه در صفات خدا و احکام حلال و حرام و این دیدگاه خوب است تا جایی که ضعف خبر تا حد جعل نباشد.^۳ طبق دیدگاه مشهور در میان فقیهان به استناد روایات «من بلغ»، قاعده تسامح در ادله سنن از حجیت و اعتبار لازم برخوردار است.^۴ روایات مذکور، مهم‌ترین دلیل قاعده «تسامح در ادله سنن» است.^۵

دلایل دیگر برای اثبات قاعده مذکور، شایستگی لازم را برای اثبات ندارد و بیشترین مباحث درباره قاعده تسامح در ادله سنن مربوط به مفاد این اخبار است.^۶ طبق گزارش‌های دیگران، در بین متقدمان، چنین قاعده‌ای از روایات «من بلغ» استنباط نشده است. سید بن طاوس اولین فردی است که نظریه تسامح در ادله سنن را با استناد به روایات «من بلغ» مطرح نموده و کسی تا قبل از وی چنین برداشتی از روایات «من بلغ» نکرده است؛ اما وی لفظ «تسامح» را به کار نبرده است.^۷ شهید اول لفظ تسامح را درباره احادیث فضایل به کار برده است و بر این باور است که اهل علم، درباره احادیث فضایل تسامح می‌کنند.^۸

۱. «قاعده تسامح در روش‌شناسی تفکر نقدی امام خمینی (س)»، ص ۲۴.

۲. اخبار و آثار ساختگی (سیری انتقادی در حدیث)، ص ۲۰۶ - ۲۱۱.

۳. الرسائل الاربع، ج ۴، ص ۵؛ الرعاية في علم الدراية، ج ۱، ص ۹۴.

۴. «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکارآمد»، ص ۷.

۵. موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (علیهم‌السلام)، ج ۱۱، ص ۲۱۱.

۶. قاعده تسامح در ادله سنن، ص ۲۶.

۷. «اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی احادیث من بلغ»، ص ۱۲.

۸. ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲، ص ۳۴.

پس از وی، ابن فهد حلی در مقدمه کتاب *عدة الداعی و نجاح الساعی*، هدف از نگارش کتاب را ترغیب در دعا و حسن ظن به خدا بیان می‌کند و سپس روایات «من بلغ» را ذکر کرده و بعد از آن نوشته است:

فصار هذا المعنى مجمعاً عليه عند الفريقين.^۱

روشن است که وی نیز با توجه به موضوع کتابش و ذکر روایات «من بلغ» در مقدمه کتاب، مراد از ثواب را دعا دانسته است.

بعد از آن، مجلسی اول، با تکیه بر روایات «من بلغ»، قاعده تسامح در ادله سنن را در مصادیق گوناگون فقهی تطبیق داده است.^۲ مجلسی دوم نیز گفته است که از اخبار «من بلغ» که میان فریقین شهرت دارد تسامح به دست می‌آید و سپس اشکالات مطرح از جانب مخالفان را پاسخ داده است.^۳

صاحب جواهر در ابواب گوناگون فقه به این قاعده استناد کرده است.^۴ از دیگر طرفداران قاعده مورد بحث میرداماد^۵ و شیخ بهایی هستند. شیخ بهایی به اندازه‌ای این قاعده را گسترانده که گفته است احتمال دارد بلوغ عمومیت داشته باشد؛ چه رسیدن از طریق روایت یا فتوا یا مذاکره یا مانند آن باشد.^۶

شیخ انصاری در این زمینه رساله‌ای تدوین نموده و اشکالات وارد شده به قاعده را مطرح و بدان پاسخ داده است.^۷ بجنوردی نیز از روایات «من بلغ»، تسامح را در مستحبات استنباط کرده است.^۸ به اعتقاد نگارنده مقاله «نخستین جریان انتقادی حدیث شیعه»، اخبار «من بلغ» ناظر بر روایات نبوی و بیشتر عمل‌گرایانه و حاوی فضایل اعمال است.^۹ لذا می‌توان نتیجه گرفت که وی از روایات «من بلغ» قاعده تسامح در ادله سنن را استنباط نموده

۱. *عدة الداعی و نجاح الساعی*، ص ۱۳.

۲. *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

۳. *بحار الأنوار*، ج ۲، ص ۲۵۷ - ۲۵۶؛ *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ج ۸، ص ۱۱۲ - ۱۱۵.

۴. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۱، ص ۲۶؛ ج ۹، ص ۱۲۷؛ ج ۱۰، ص ۱۷۳ و ۲۲۳.

۵. *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة*، ج ۱، ص ۱۸۹.

۶. *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، ج ۸، ص ۲۶۰.

۷. *رسائل فقهیة*، ص ۱۳۳ - ۱۷۴.

۸. *القواعد الفقهیة*، ج ۳، ص ۳۲۸.

۹. *نخستین جریان انتقادی حدیث شیعه*، ص ۴۰.

است. دلیل وی از این گونه استنباط، حلقه مشترک اسناد روایات «من بلغ»؛ یعنی هشام بن سالم است. نویسنده نوشتاریاد شده، با ذکر جریان‌های مختلف حدیثی، از جریانی به نام جریان «عمل‌گرا» یاد می‌نماید. او این جریان را این گونه معرفی می‌نماید که به سنن و مناسک توجه خاصی داشتند و با احادیث حاوی فضایل برخوردار بودند. هشام بن سالم و برخی شاگردان وی، همچون ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی را در این جریان جای داده است. روایاتی نیز از باب استشهاد ذکر می‌کند که هشام بن سالم راوی روایات مربوط به فضایل دعا، تسبیح، و... است.^۱

به نظر می‌رسد آقای فرقان گوهر با پیش فرض دلالت روایات «من بلغ» بر مستحبات و صحت استنباط قاعده تسامح در ادله سنن از اخبار «من بلغ»، هشام بن سالم را قضاوت نموده و بر اساس آن، جریانی به نام جریان عمل‌گرا کشف کرده؛ در حالی که در تاریخ گزارشی از جریانی به نام جریان عمل‌گرا نیامده است و بر اساس این که هشام بن سالم راوی چندین روایت مرتبط با فضایل است، نمی‌توان این گونه نتیجه گرفت که وی نسبت روایات فضایل خوش بینانه و اهل تسامح است. از شخصیت کلامی وی نیز به دور است که توجهی به صحت روایت نکند و تنها دغدغه عمل داشته باشد.^۲

۲ - ۳. عدم صحت قاعده تسامح در ادله سنن بر پایه روایات «من بلغ»

افرادی در برابر قاعده تسامح در ادله سنن ایستاده‌اند و از روایات «من بلغ»، استحباب برداشت نکرده و گفته‌اند: استحباب نیز حکم شرعی است که ثابت شدن آن نیاز به دلیل معتبر دارد. قایلان این دیدگاه عبارت‌اند از: بحرانی،^۳ موسوی عاملی،^۴ خویی^۵ و طباطبائی الحکیم.^۶

ساده‌ترین دلیل مخالفت با این قاعده می‌تواند این باشد که پذیرش قاعده «تسامح در

۱. همان، ص ۳۰ و ۳۱.

۲. با توجه به تفحص نگارنده پژوهش مستقلی درباره هشام بن سالم و عمل‌گرایی وی انجام نشده است. اگر این فرضیه اثبات شود، امکان دارد وی - که راوی روایات من بلغ است - به درستی منظور امام را متوجه نشده باشد.

۳. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۴، ص ۱۹۷.

۴. مدارک الأحكام، ج ۱، ص ۱۳.

۵. موسوعة الامام الخوئی، ج ۴، ص ۳۶۲.

۶. مصباح المنهاج الطهارة، ج ۳، ص ۲۲۱.

ادله سنن» یعنی پذیرش نوآوری و بدعت در اسلام که چنین چیزی حرام است. دلیل دیگر مخالفان، توجه به ماده «بلغ» است. مخالفان قاعده تسامح پس از بررسی دقیق در استعمالات قرآنی و روایی این ماده و مشتقات آن، چنین نتیجه می‌گیرند که تا خبری به نحو کامل با بیانی رسا، سندی صحیح و تردیدناپذیر به کسی نرسد، بلوغ و بلاغ صدق نمی‌کند. در نتیجه، اخبار «من بلغ» مربوط به مواردی است که سلسله سند کاملاً صحیح، قابل اعتماد و از نظر دلالت و جهت صدور روشن و رسا باشد. در این صورت، «بلغ» صدق می‌کند؛ و گرنه باید تعبیرهای دیگری چون «رؤی، قیل» به کار رود.^۱

دلیل دیگر مخالفان قاعده «تسامح در ادله سنن» توجه به واژه ثواب در روایات «من بلغ» است. ثواب طبق معنای لغوی و قرآنی مطلق جزا و نتیجه عمل برای امور خیر^۲ و شر^۳ استعمال شده است و ثواب، هر عملی را، اعم از واجب، مستحب، ترک حرام و یا مکروه شامل می‌شود. لذا اخبار «من بلغ» درصدد بیان قاعده تسامح در ادله سنن نیست، بلکه برای رفع تردید مکلفان در مقام عمل است؛ نه حذف شرایط حجیت خبر واحد.^۴

آقای کریمیان پا را فراتر نهاده و ثواب را در روایات «من بلغ» شامل احکام الزامی، اعم از واجب، حرام و غیر الزامی، یعنی مستحب و مکروه و حتی احکام غیر فقهی، همانند اعتقادات بیان می‌کند. وی مفاد روایات «من بلغ» را اعطای ثواب بدون استنباط احکام شرعی بیان می‌کند؛ بدین صورت که اگر کسی بر اساس شرایط حجیت خبر واحد عمل نمود و بعد معلوم شد آن خبر واقعیت نداشته و یا در نقل آن خطایی رخ داده است، خداوند ثواب آن عمل را به عمل کننده می‌دهد؛ خواه آن عمل واجب، مستحب، ترک حرام و یا ترک مکروه باشد.^۵

نگارنده برای فهم معنای ثواب در روایات، در کتاب الوافی - که جامع کتب اربعه است و روایات تکراری را حذف نموده است - و کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، واژه «ثواب» را جستجو نموده و بدین نتیجه دست یافته که ثواب به طور غالبی برای پاداش، به ویژه پاداش امور مستحب به کار رفته است. همچنین، این واژه برای مطلق جزا و پاداش (نه فقط به

۱. اخلاق اسلامی و کاربریست قاعده تسامح در ادله سنن، ص ۷۹.

۲. سوره مائده، آیه ۸۵.

۳. سوره مطففین، آیه ۳۶.

۴. «تسامح در سند روایات طبی»، ص ۹۵.

۵. «اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی احادیث من بلغ»، ص ۱۸.

معنای مثبت / پاداش) به کار رفته است؛ به عنوان نمونه:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: الْحُجُّ حَجَّانِ حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ، فَحَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۱

به ندرت نیز برای امور واجب، مانند ثواب روزه ماه رمضان^۲ و ثواب حج استعمال شده است. در روایتی نیز به نقل از امام صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ آمده است که برای کسی که به حق ما جاهل باشد، ثوابی نیست.^۳ پس برای معرفت - که در دایره اندیشه است - نیز واژه ثواب کارآیی دارد. برای مخالفت با هوی نیز واژه ثواب ذکر شده است.^۴ در کتاب الوافی در پانزده مورد نیز ثواب با عقاب هم نشین شده است.^۵

به نظر نگارندگان، از آن جایی که ثواب در لغت،^۶ قرآن و در یک روایت برای مطلق جزا به کار رفته است و دلیلی برای تقیید آن به پاداش برای اعمال مستحبی وجود ندارد، لذا دایره عملکرد روایات «من بلغ» شامل تمامی احکام، اعم از واجب و حرام، مستحب و مکروه است. از آن جایی که طبق روایت مذکور برای مخالفت با هوی - که در مورد ترک عمل نیز تطابق دارد - ثواب استعمال شده است. لذا ترک حرام نیز در دامنه روایات «من بلغ» قرار دارد؛ همچنان که شیخ صدوق این عنوان باب را برای یک روایت قرار داده است: «ثواب من ترک شهوة حاضرة لموعود لم يره»؛ پاداش آن کس که لذت امروز را به خاطر پاداش نادیده فردا ترک کند.^۷

سایر روایات نیز بیان گر عدم تکیه گاه بودن روایات «من بلغ» برای قاعده «تسامح در ادلة سنن» است. روایتی با سند موثق و مسند از امام صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نقل شده است که عمل کننده بدون بصیرت مانند رونده ای است که بیراهه می رود و هر چند شتاب کند، از هدف دورتر گردد.^۸ بابی تحت عنوان «بَابُ عَدَمِ جَوَازِ تَقْلِيدِ غَيْرِ الْمَعْصُومِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِيمَا يَقُولُ بِرَأْيِهِ وَفِيمَا لَا

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۶۶ و روایت دیگر، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۴. الوافی، ج ۲۶، ص ۲۸۰.

۵. به طور نمونه: همان، ج ۱، ص ۵۳۵؛ ج ۴، ص ۱۷۰؛ ج ۸، ص ۱۱۵۳.

۶. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۸۰.

۷. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۷.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

يَعْمَلُ فِيهِ بِنَصِّ عَنْهُمْ (علیهم السلام) در وسائل الشیعه^۱ بیان گرایین است که نباید حکمی را از غیر معصوم پذیرفت و بدون بررسی، روایتی را قبول و عمل کرد. لذا قاعده «تسامح در ادلة سنن» صحیح نیست.

۳. فضای صادقین (علیهم السلام)

از آنجایی که روایات «من بلغ» در منابع شیعی برای اولین بار و تنها از سوی صادقین (ع) بیان شده است، دانستن فضای آن عصر و جریان های آن زمان مخاطب را به فهم بهتر احادیث یاری می نماید و این همان نکته مهمی است که در سایر مقالات و کتب از آن غفلت شده است و سبب عدم فهم صحیح دلالت روایات «من بلغ» شده و باعث شده عده ای از یک سواز آن قاعده «تسامح در ادلة سنن» را استخراج نمایند و از سوی دیگر، عده ای برای مخالفت با قاعده مذکور روایات «من بلغ» را جعلی بپندارند؛ در صورتی که بهتر بود با مبنای مخالفت با تسامح در ادله سنن درباره روایات «من بلغ» ارائه نظر نمایند و بلکه سعی در فهم صحیح روایات «من بلغ» با تکیه بردانش علوم حدیث نمایند. یکی از مسائل مهم در فقه الحدیث توجه به عصر صدور روایت است. لذا ابتدا به توصیف زمان صادقین (علیهم السلام) پرداخته می شود.

بین تمامی شرایط حاکم بر زمان صادقین (علیهم السلام) تنها به شرایطی پرداخته می شود که با روایات «من بلغ» مرتبط باشد و به فهم این روایات کمک نماید.

۳ - ۱. تنوع و گسترش جریانات فقهی و کلامی و تلاش در جعل حدیث

عصر امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) از نظر تنوع و گسترش جریانات مختلف فکری عصری حساس بود و هر یک از گروه ها سعی در تثبیت و رشد خود داشتند. این جریان ها عبارت اند از:

الف) مذاهب کلامی اهل سنت؛ مانند: مرجئه، معتزله، قدریه، خوارج با شعب متعدد آن.

ب) مشرب های فقهی متشکل از اصحاب رأی و قیاس، اصحاب نقل و حدیث در اهل سنت.

ج) فرق و مذاهب شیعه؛ مانند: کیسانیه، زیدیه و امامیه.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۴.

د) گروه‌های الحادی و انحرافی؛ مثل: زنادقه و غلات شیعه.^۱

جریانات فوق و همچنین صوفیه، بتریه، جارودیه و اسماعیلیه، هر یک از تفسیر به رأی یا جعل و تحریف حدیث ابایی نداشته‌اند.^۲ جریان‌های فوق و عواملی همچون گستردگی جامعه اسلامی، علاقه مردم به نقل حدیث، آزادی نگارش پس از ممنوعیت صد ساله نسبت به حدیث اهل سنت و تقیه باعث شد شناخت حدیث صحیح از جعلی در دوران صادقین علیهم‌السلام اهمیت ویژه‌ای یابد.^۳

فرقه دیگر مرتبط با فضای صدور روایات «من بلغ»، صوفیه است. جعل حدیث و دروغ‌گویی صوفیان و اهل زهد و عبادت بین علمای دین شایع بود. مغربی در فتح الملک العلی می‌نویسد:

دروغ بین گروهی متعصب از اهل سنت رایج داشت. همچنین بین قصاص و وعاظ که بهترین آن‌ها زهاد و عباد بودند؛ تا جایی که یحیی بن قطان گوید هیچ کس را بیشتر از اهل زهد و خیر، دروغ‌گو نیافتم.

ابن صلاح نیز می‌گوید:

بیشترین ضرر از جانب قومی است که منسوب به زهد هستند.^۴

سفیان ثوری پیشوای اهل تصوف، روایاتی را جعل و به امام صادق علیه‌السلام نسبت می‌داد. در روایتی آمده است که عده‌ای از اهل تصوف نزد امام صادق علیه‌السلام آمدند. فردی از آن‌ها روایاتی را از قول سفیان ثوری به نقل از امام صادق علیه‌السلام به حضرت عرضه نمود؛ در حالی که امام را نمی‌شناخت. حضرت بعد از شنیدن هر حدیث جعلی می‌فرمودند: ادامه بده. در پایان امام می‌فرمایند: اگر جعفر بن محمد علیه‌السلام به شما بگوید که من این‌ها را نگفته‌ام، باور می‌کنید؟ پاسخ داد: خیر. امام فرمودند: چرا؟ عرض کرد: چون چنان قول سفیان برای دیگران حجت بوده است که حتی اگر خود امام صادق علیه‌السلام بفرمایند من این‌ها را نگفته‌ام، مردم باور نمی‌کنند.^۵

۱. تاریخ عمومی حدیث بارویکرد تحلیلی، ص ۲۲۲.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. فتح الملک العلی، ج ۱، ص ۹۲.

۵. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۵۴.

۳ - ۲. احادیث مختلف و راهکارهای آن در عصر صادقین علیهم السلام

از پیامدهای وضع حدیث، اختلاف بین احادیث است که موجب سردرگمی افراد می‌شود. مسئله اختلاف احادیث همواره مورد توجه محدثان و متکلمان بوده و بایی به این موضوع اختصاص داده‌اند.^۱ یونس بن عبد الرحمن نیز کتابی با عنوان «إختلاف الحدیث» نگاشته است.^۲

حساس بودن شرایط و زمانه امام صادق علیه السلام در زمینه مختلف بودن احادیث را می‌توان از کثرت روایاتی دریافت که در «بَابُ وَجْهِ الْجَمْعِ بَيْنَ الْأَحَادِيثِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ كَيْفِيَّةِ الْعَمَلِ بِهَا» کتاب وسائل الشیعة آمده است.^۳ در این باب ۴۸ روایت به عنوان راهکار و معیار برای حل احادیث مختلف بیان شده است که ۲۸ روایت آن از امام صادق علیه السلام است. تمام این روایات نشان‌گر حساس بودن اوضاع امام و مختلف بودن احادیث است که امام راهکارهایی را برای این مسئله بیان می‌نمایند.

نکته مهم دیگر، در بررسی روایات «من بلغ»، توجه به اصالت و محل سکونت روایان روایات «من بلغ» است که این مهم نیز در مقالات و کتب نگاشته شده قبلی مورد غفلت قرار گرفته و روایان تنها از لحاظ جرح و تعدیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از روایان روایات «من بلغ»، نظیر محمد بن سنان زاهری، محمد بن حسین بن ابی خطاب و هشام بن سالم (راوی مشترک سه روایت از اخبار «من بلغ») از روایت کوفی هستند. طبق روایتی دلیل افزایش اختلاف حدیث در کوفه افرادی هستند که با انگیزه دنیاطلبی روایتی را از امام می‌شنوند و بر اساس امیال خود بازگو و تأویل می‌کنند.^۴ در کوفه حضور زیادی از علمای شیعه و اهل سنت و مذاهب دیگر، همچنین دوری کوفه از مدینه - که مرکز نشر معارف اهل بیت علیهم السلام بود، زمینه مناظره و تضارب افکار و اندیشه‌ها، اختلافات و درگیری‌های زیاد در مسائل فقهی و کلامی شده بود.^۵

می‌توان گفت روایات «من بلغ»، راهبردی از سوی صادقین علیهم السلام در برابر اختلاف احادیث در آن عصر، به ویژه کوفه است. مراد از راهبردی بودن روایات «من بلغ» در برابر اختلاف

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۲؛ تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۴۶.

۲. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۵۱۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۶.

۴. إختیار معرفة الرجال، ص ۱۳۶ - ۱۳۵.

۵. «جریان‌های حدیثی کوفه در عصر امام صادق علیه السلام»، ص ۱۳۳.

احادیث، این است که اگر افراد به روایتی جعلی و یا روایت دچار آسیب از سرنا آگاهی عمل نمودند و با توجه به شدت اختلاف احادیث، از حکم واقعی اطلاع نیافتند و عملی را انجام دادند، پاداش خود را دریافت می‌کنند.

لازم به ذکر است توصیف زمان صادقین علیهم‌السلام برای فهم روایات «من بلغ» راه‌گشاست؛ ولی این بدان معنا نیست که روایات «من بلغ» تنها در آن زمان کارآیی داشته است. روایات جعلی و یا دچار آسیب تا زمان حاضر نیز در بین منابع وجود دارد و یا ممکن است فقیهی در استنباط حکم واقعی در مواجهه با احادیث مختلف به حکم صحیح دست نیابد. در این دو صورت نیز مخاطبینی که به دیدگاه مرجع تقلید خود عمل می‌کنند، اما در واقع حکم واقعی معصوم نبوده است و یا با فرض صحت، به روایات فضایل و... عمل می‌کنند، اما در واقع جعل است، بر اساس روایات من بلغ پاداش خود را دریافت نموده‌اند. بنابراین، روایات من بلغ تا زمان حاضر و زمان‌های بعد نیز کارآیی لازم را دارد.

۴. دیدگاه نگارندگان درباره دلالت روایات «من بلغ»

حال با توجه به توصیف فضای عصر صادقین علیهم‌السلام احتمالات مختلفی را می‌توان برای دلالت روایات «من بلغ» در نظر گرفت:

۱. فراوانی جعل حدیث و رشد و توسعه انواع فرقه‌ها در زمان صادقین علیهم‌السلام این احتمال را به وجود می‌آورد که روایات «من بلغ» از سوی یکی از فرقه‌ها، همچون صوفیه و یا در دوره بعد از صادقین علیهم‌السلام توسط کرامیه و زهاد جعل شده باشد که سعی در ترغیب مردم در مستحبات و فضایل داشته‌اند. گروه کرامیه و افرادی که خود را زاهد می‌دانند، بر این باورند که دروغ بستن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اگر سبب تقویت و پشتیبانی دین باشد، یا ایجاد رغبت و ترس نماید، جایز و نیکوست؛ زیرا عقاب برای دروغ بستن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایی است که دروغ علیه ایشان باشد؛ نه دروغی که به نفع و سود ایشان است.^۱

آقای مهریزی در پژوهشی بر اساس کتاب موسوعة الأحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة تعداد روایات جعلی در هر موضوعی را ذکر نموده و درباره فضایل القرآن، ۱۰۴۹ روایت جعلی برشمرده است.^۲ البته این احتمال در صورتی است که مراد از ثواب در روایات «من بلغ» تنها

۱. الأضواء على السنة المحمدية، ص ۱۰۴.

۲. «تحلیلی بر نگارش‌های الموضوعات در اهل سنت بر پایه کتاب موسوعة الأحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة»، ص ۳۹۲.

پاداش اعمال مستحبی در نظر گرفته شود.

۲. بهتر است روایات «من بلغ» را جعل ندانست؛ زیرا از لحاظ منبع نیز قوت دارد و سند یکی از روایات «من بلغ» نیز صحیح است. لذا بهتر است عوامل صدور روایات «من بلغ» را با توجه زمان صادقین علیهم السلام تبیین نمود. سه مورد از ویژگی‌های عصر صادقین علیهم السلام بیان شد. در صورتی که معنای وسیع از ثواب در نظر گرفته شود و تمامی اعمال در دایره عملکرد «من بلغ» قرار گیرد، می‌توان چنین بیان نمود که با توجه به شدت اختلافات احادیث در عصر صادقین علیهم السلام و برجسته بودن گفتمان نقل حدیث در زمان امام باقر علیه السلام و توسعه کتابت حدیث در زمان امام صادق علیه السلام و در پی آن، افزایش جعل حدیث، وجود فرق مختلف و زیادت احادیث جعلی، سبب شده است تا احادیث صحیح به دست مردم نرسد و یا مردم بصیرت کافی نسبت به شناخت امام نداشتند و از دیگر افراد پیروی نموده باشند. لذا می‌توان چنین احتمال داد که در واقع، روایات «من بلغ» مربوط به فردی بوده است که انجام وظیفه نموده و بعد متوجه حکم واقعی شده است و یا ممکن است اصلاً متوجه حکم واقعی نشود. روایات «من بلغ» برای چنین مخاطبینی است که به روایات عمل کرده‌اند؛ به گمان این که صادر از معصوم هست، اما در واقع چنین نبوده است و نمی‌توان از این روایات قاعده تسامح استنباط نمود.

بر اساس روایت زیر، در صورت متفاوت بودن احادیث و ناچاری در مقام عمل، فرد اختیار دارد که به هر کدام که تمایل دارد، عمل نماید. در روایتی با سند صحیح، سماعه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

درباره مردی که دو نفر از هم مذهبانش در امری متفاوت نظر می‌دهند و هر دو هم بر اساس روایت نظر می‌دهند؛ یکی از آنان امر و دیگری وی را نهی می‌کند، حال چگونه عمل نماید؟ امام فرمودند: عقب اندازد تا ملاقات کند کسی (امام) را که به او خبر دهد (خبر قطعی کسب کند) و تا آن زمان مختار است که به اختیار خود هرگونه خواست عمل نماید. در روایت دیگر است که از باب تسلیم و اختیار می‌تواند به هر کدام از دو روایت عمل کند.^۱ همچنین سایر روایاتی که به فرد اختیار عمل به یکی از دو حدیث متعارض را می‌دهد.^۲ به بیان دیگر، طبق روایات، در صورت عدم مرجح برای تشخیص احادیث مختلف، فرد اختیار داشته که به

۱. همان، ج ۱، ص ۶۶، ح ۷.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۲۲؛ عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۱۳۳.

هریک از احادیث مختلف عمل نماید. حال، در صورتی که فرد روایتی را طبق اختیار خود عمل نموده است، اما در واقع، آن روایت از معصوم نبوده است، در این صورت می‌توان گفت روایات «من بلغ» در چنین شرایطی کارایی لازم را دارد و در واقع، فرد از عمل خود بی‌بهره از ثواب نبوده است.

دلالت احتمالی دیگر که می‌توان برای اخبار «من بلغ» بیان نمود، این است که از آن جایی که در دو روایت از پنج روایت «من بلغ»، قید «عن النبی» ندارد و فرد هر حدیثی را از هر فردی بشنود و عمل کند، ثوابش را دریافت می‌نماید، احادیثی از غیر معصوم نیز می‌تواند در دایره عملکرد روایات «من بلغ» قرار گیرد؛ بدین معنا که افرادی در صورت عدم علم به حجت خدا و عدم شناخت امام، از پیشوایان فقهی سایر فرق و یا از اهل رأی و قیاس پیروی نمایند و بر اساس فتاوی آنان عمل کنند و در همان عصر صادقین علیهم‌السلام و یا بعد متوجه اشتباه خود شوند، لذا روایات «من بلغ» ناظر بر اعمال گذشته مردم است و احتمالاً امام چنین پیش‌بینی را نمودند که مردم بعداً متوجه خطای خود در پیروی از گروه‌های مختلف آن زمان شوند.

حسن بصری واعظ و زاهد معروف طبق نظر و رأی خود قرآن را تفسیر زاهدانه می‌نمود. زمانی که ابوسلمة بن عبد الرحمن از وی پرسید: آیا فتاوی تو بر اساس چیزهایی است که شنیده‌ای یا طبق رأی خود می‌گویی؟ جواب داد: به خدا سوگند! این گونه نیست که همه را شنیده باشم و اما رأی ما برای مردم بهتر از نظر و خرد آنان برای خودشان است.^۱ می‌توان برخی روایات او را در دایره عملکرد روایات «من بلغ» به شمار آورد.

حسن بصری گفته است خواندن آیه «ان یکاد...»^۲ درمان چشم زخم است.^۳ آقای حلیمی جلودار در این باره مقاله‌ای نگاشته و نتیجه پژوهش خود را این گونه بیان می‌کنند که ادعای دفع چشم زخم با آیه مذکور تنها به روایت حسن بصری برمی‌گردد که علاوه بر ضعف رجالی، روایت ایشان در تفاسیر اهل سنت مورد توجه قرار گرفته، سپس گسترش یافته و از این طریق به تفاسیر شیعه نیز انتقال یافته است.^۴

اگر روایات دیگری از حسن بصری و یا سایر افرادی را که تا قبل از صادقین علیهم‌السلام بودند،

۱. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۶۵.

۲. سوره قلم، آیه ۵۱.

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۱۳.

۴. «اعتبارسنجی روایت حسن بصری در کارآمدی آیه ﴿وَإِنْ يَكَادُ﴾ در دفع چشم زخم»، ص ۷۵.

بیابیم که دلالت بر پاداش عملی دارد و در واقع از معصوم نیست، در دایره عملکرد روایات «من بلغ» قرار می‌گیرد.

کوفه مرکز رأی و قیاس بود. سخنان افرادی، مثل عبد الله بن شبرمه بن طفیل، ابن ابی لیلی و ابوحنیفه نعمان بن ثابت - که اهل قیاس و فتوا بر اساس رأی بودند و مردم از باطل بودن آنان آگاهی نداشتند - نیز می‌تواند در دایره عملکرد روایات «من بلغ» قرار گیرد.

در سه روایت از روایات «من بلغ» قید «نبی» آمده است. این روایات را می‌توان ناظر بر جعل حدیث در مستحبات و فضایل سور در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست که با گفتمان نقل حدیث،^۱ احادیث جعلی در دوران صادقین علیهم السلام نشر یافته است، یا این که این روایات جعلی از سوی فرق در زمان صادقین علیهم السلام جعل شده و به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است. روایتی از سلیم بن قیس در گفتگوی با امام علی علیه السلام به خوبی اختلافات در احادیث آن زمان را به نمایش می‌کشد:

سلیم می‌گوید به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم: من از سلمان و مقداد و ابوذر مطالبی در تفسیر قرآن و حدیث‌هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که با آنچه در دست مردم است، مغایرت دارد. مطالبی نیز از شما شنیدم که گفته‌های آنان را تأیید می‌کند و در دست مردم مطالب زیادی از تفسیر قرآن و احادیث نبی صلی الله علیه و آله دیدم که شما با آن مخالفید و معتقدید که همه آن‌ها باطل است. آیا عقیده دارید که مردم عمداً به رسول خدا دروغ می‌بندند و قرآن را به رأی خود تفسیر می‌کنند؟ سلیم گوید: حضرت به من رو نمود و فرمودند: سؤالی کردی اکنون پاسخش را بفهم. همانا نزد مردم حق و باطل، صدق و کذب، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه و درست و موهوم وجود دارد و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم بر حضرت دروغ بستند تا آن‌که میان مردم به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم، همانا دروغ‌گویان بر من زیاد شده‌اند. هر که عمداً به من دروغ ببندد باید جایگاه خود را دوزخ بداند. سپس، بعد از او هم بر ایشان دروغ بستند.^۲

بنابراین، با توجه به توصیف اوضاع آن زمان، ممکن است مردم بر اساس روایات جعلی عمل نموده باشند و بعد متوجه جعل روایت و خطای عمل خود شده باشند. امام جهت

۱. گفتمان نقل حدیث از دوره امام سجاد علیه السلام آغاز شد؛ اما از دوران امام باقر علیه السلام به شکل برجسته و متمایزی پی‌جویی شد (نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه: رویکردها گفتمان‌ها انگاره‌ها و جریان‌ها، ص ۹۹).

۲. الکافی، ج ۱، ص ۶۲.

امید دادن به آنان و دل سرد نشدن از ثواب اعمال قبلی ایشان می‌فرمایند که اجر آنان محفوظ است. در واقع، روایات «من بلغ» مربوط به اعمال قبلی شیعیان بوده که طبق حدیثی عمل می‌نمودند، اما در واقع از معصوم نبوده و امام درصدد هستند که بفرمایند ثواب اعمال قبلی خود را دریافت کرده‌اید.

آیات و روایات و عقل نیز صحت محتوای روایات «من بلغ» را تأیید می‌کند. زمانی که خدا با توبه فرد گناهکار، گناهان وی را تبدیل به حسنات می‌نماید،^۱ آیا برای عملی که طبق انجام وظیفه و امید ثواب انجام داده است، پاداشی دریافت نکند؟ با این که حقیقتاً از معصوم صادر نشده است. زمانی که خدا برای نیت افراد (بدون عمل) پاداش در نظر می‌گیرد، آیا برای عمل از روی وظیفه که پاداش دارد، اما در واقع بنا به شرایطی مخاطب متوجه نشده و روایت صحیح به او نرسیده و معذور است، پاداش نداشته باشد؟!^۲

روایتی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

بنده مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا، به من «مال و ثروت» روزی کن تا از احسان و راه‌های خیر چنین و چنان کنم و چون خداوند صدق نیتش را بدانند، برای او همان اجر و پاداش را می‌نویسد که اگر انجام می‌داد، می‌نوشت. همانا خدا واسع و کریم است.^۳

۳. احتمال سوم از دلالت روایات «من بلغ» این است که امامان از ترس این که مردم به جهت فراوانی اخبار جعلی، کل اخبار را کنار بگذارند، آنان را به اخبار «من بلغ» راهنمایی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

دیدگاه‌های مختلف درباره دلالت روایات «من بلغ» وجود دارد:

۱. جعلی بودن روایات «من بلغ»؛
۲. قاعده تسامح در ادله سنن دستاورد روایات «من بلغ»؛ یعنی در عبادات و اعمال مستحبی شرایط حجیت خبر واحد شرط نیست. طبق این نظر مراد از ثواب و در واقع دایره عملکرد روایات «من بلغ» خاص مستحبات است.
۳. عدم صحت قاعده تسامح در ادله سنن بر پایه روایات «من بلغ». طرفداران این دیدگاه ثواب را اعم از واجب، مستحب و... می‌دانند. ثواب در لغت، قرآن و روایت برای مطلق جزا

۱. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۵، ح ۳.

به کار رفته و خاص مستحبات نیست.

نگارندگان برای فهم معنای ثواب در روایات در کتاب الوافی - که جامع کتب اربعه است و روایات تکراری را حذف نموده است - و کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، واژه «ثواب» را جستجو نموده و بدین نتیجه دست یافته‌اند که ثواب به طور غالبی برای پاداش، به ویژه پاداش امور مستحب به کار رفته است. همچنین، این واژه برای مطلق جزا و پاداش (نه فقط به معنای مثبت / پاداش) به کار رفته است.

به نظر نگارندگان، غفلت از فضای صدور روایات «من بلغ» باعث صدور قاعده «تسامح در ادلة سنن» شده است؛ در حالی که توجه به فضای صدور روایات و در نظر گرفتن عصر صادقین علیهم السلام و وجود جریان‌های مختلف فقهی، کلامی و گرایش صوفی‌گری توسط سفیان ثوری در کوفه و غلات و زناده و نقش آنان در جعل حدیث، سبب فزونی جعل حدیث در کوفه شده است و گاهی مردم قدرت تشخیص حدیث سره از ناسره نداشته و لذا به روایات عمل می‌نمودند. روایات «من بلغ» می‌تواند ناظر بر اعمال گذشته مردم آن عصر باشد که به روایات عمل می‌نمودند و نمی‌دانستند که آن روایات، ساختگی و یا دچار آسیب حدیثی است. در این صورت، افراد پاداش اعمال خود را دریافت کرده‌اند. در واقع، روایات «من بلغ» به عنوان راهبردی از سوی صادقین علیهم السلام در برابر اختلاف‌های احادیث است؛ همان طور که روایاتی دال بر شدت اختلاف احادیث در کوفه وجود دارد.

روایاتی نیز از جمله حدیثی با سند صحیح وجود دارد که به دلیل عدم وجود مرجحات در رفع اختلاف احادیث، امام فرمودند که فرد به اختیار خود، یکی از دو حدیث مختلف را عمل نماید. در چنین شرایطی ممکن است حدیثی که فرد عمل نموده، در حقیقت صادر از معصوم نبوده و یا دچار آسیبی بوده است که به وظیفه واقعی عمل نکرده است؛ اما بر اساس روایات من بلغ، پاداش خود را دریافت می‌کند. با این نگاه و در نظر گرفتن شرایط آن زمان و نیز استناد به سنت نبوی در عصر صادقین علیهم السلام، روایات «من بلغ» تنها صبغه کلامی دارد و در صدد بیان قاعده‌ای نیست.

کتابنامه

قرآن کریم.

اخبار و آثار ساختگی (سیری انتقادی در حدیث)، هاشم معروف حسنی، ترجمه: حسین

صابری، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.

اخلاق اسلامی و کاربست قاعده تسامح در ادله سنن، محمد تقی اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۹۰ش.

الأضواء على السنة المحمدية (سنت محمدی ﷺ در گذر تاریخ)، محمود ابوریه، مترجم: سید محمد موسوی، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۹ق.

إقبال الأعمال (ط - القديمة)، علی بن موسی ابن طاووس، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

أنوار الأصول، ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.

بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، مجید معارف، تهران: کویر، چاپ دهم، ۱۳۸۸ش.
تصحیح اعتقادات الإمامیه، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، أبو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، شیخ محمد حسن بن باقر بن عبدالرحیم النجفی الجواهری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، نوبت چاپ هفتم.

الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين. بی تا

ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی عاملی (شهید اول)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.

رجال الکشی (إختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.

الرسائل الاربع (قواعد أصولیة وفقهیة)، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، بی تا.

رسائل فقهیة، مرتضی انصاری، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ق.

الرعاية فی علم الدراية، شهید ثانی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۸ق / ۱۳۶۷ش.

الرواشح السماوية فى شرح الأحاديث الإمامية، محمد باقر بن محمد ميرداماد، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.

روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، محمد تقى بن مقصود على مجلسى، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشان پور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
شرح الكافي - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد مازندراني، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.

الطبقات الكبرى، ابن سعد، بيروت: دارصادر، بی تا.
عدة الداعي و نجاح الساعي، احمد بن محمد بن فهد حلى، بی جا، دارالكتب الإسلامى، ۱۴۰۷ق.

عوالى اللئالى العزیزية فى الأحاديث الدينية، محمد بن زين الدين بن أبى جمهور، قم: دارسيد الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.

فتح الملك العلى، احمد مغربى، اصفهان: مكتبي الامام أمير المؤمنين عليه السلام العامة، بی تا.
فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى، ۱۴۲۰ق.

قاعده تسامح در ادله سنن، محمد جواد فاضل لنكرانى قم: مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، معاونت پژوهش، ۱۳۹۳ش.

القواعد الفقهية، السيد حسن الموسوى بجنوردى، قم نشر الهادى، ۱۳۷۷ش.
الكافي (ط - الإسلامية)، محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم: دارالكتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
مدارك الأحكام، سيد محمد موسوى عاملى، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول (مجلسى دوم)، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.

مصباح المنهاج الطهارة، السيد محمد سعيد طباطبائى الحكيم، مؤسسة الحكمة للثقافية

- الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت، دمشق: دارالقلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق
- موسوعة الامام الخوئی (التنقیح فی شرح العروة الوثقی)، السيد أبو القاسم الخوئی، بی جا، مؤسسه الخوئی الإسلامیة، بی تا.
- موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الإسلامی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.
- نخستین اندیشه های حدیثی شیعه: رویکردها گفتمان ها انگاره ها و جریان ها، محمد هادی گرامی، تهران: دانشگاه امام صادق عليه السلام، ۱۳۹۶ش.
- نقش ائمه عليهم السلام در احیای دین، سید مرتضی عسکری، تهران: بنیاد بعثت، قم: مؤسسه علمی فرهنگی علامه عسکری، ۱۳۹۷ش.
- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، محمد بن حسن حر عاملی، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۴ق.
- الوافی، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- «اعتبارسنجی روایت حسن بصری در کارآمدی آیه ﴿وَإِنْ يَكَاذُ﴾ در دفع چشم زخم»، حبیب الله حلیمی جلودار، فاطمه قربانی لاک تراشانی، حدیث پژوهی، سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ش ۲۳.
- «اعتبارسنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ» محمود کریمیان، مجله حدیث حوزه، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۱۶.
- «بررسی تسامح در ادله سنن»، احمد عابدینی، مجله بازتاب اندیشه، اسفند ۱۳۸۵، ش ۸۳.
- «بررسی متنی و سندی روایات من بلغ»، حمید باقری، مجله حدیث اندیشه، ۱۳۸۲، ش ۵ و ۶.
- «تحلیلی برنگارش های الموضوعات در اهل سنت بر پایه کتاب موسوعة الأحداث والاثار الضعیفة والموضوعة»، مهدی مهریزی، مجله علوم حدیث، سال سیزدهم، ش ۳ و ۴. پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

- «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکارآمد»، علی اکبر کلانتری، مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، بهار ۱۳۸۹، ش ۱۷.
- «تسامح در سند روایات طبی»، محمد قربان زاده، حسن نقی زاده، مرتضی ایروانی نجفی، سید کاظم طباطبایی، مجله علوم قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۸۹.
- «جریان‌های حدیثی کوفه در عصر امام صادق علیه السلام»، زهرا ترک لادانی، سید مهدی لطفی، رضا شکرانی، حدیث و اندیشه، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۲۵.
- «قاعده‌ی تسامح در روش‌شناسی تفکر نقدی امام خمینی علیه السلام»، عباس علی روحانی، زهره خانی، مجله پژوهش‌نامه متین، بهار ۱۳۹۷، ش ۷۸.
- «نخستین جریان انتقادی حدیث شیعه»، محمد فرقان گوهر، نعمت‌الله صفری فروشانی، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۲۷.
- «نقد تسری انگاره فقهی تسامح در ادله سنن به ارزیابی سند روایات اخلاقی»، مصطفی همدانی، پژوهش‌نامه اخلاق، بهار ۱۳۹۶، ش ۳۵.